

مسابقه بزرگ قرآنی چندجمله‌ای



مفاهیم سوره مبارکه فجر

❖ شناسنامه سوره

این سوره هشتاد و نهمین سوره از قرآن مجید است که در مکه نازل شده و محتوی ۳۰ آیه شریفه است. در این سوره به سرنوشت پاره ای از اقوام طغیان گر اشاره شده است. در بخشی از این سوره آزمایش انسان با فقر و غنا مطرح شده و درباره اهمیت شب و روزهایی که در آن عبادت مقرر شده و در مورد خطرهای حبّ دنیا سخن رفته است و در قالب سوگند به فجر و شب های ذی الحجه و آخر شب که لحظه مبارکی برای عبادت است آنها را تکریم نموده و سپس فروپاشی قدرت های طاغوتی که مانع کار انبیا بوده اند مطرح شده است.

❖ فجر صادق!

فجر، اعلان پایان شب است و حرکت از ظلمت به نور که عنصر اصلی حرکت تکاملی انسان است. در دیدگاه انسان آگاه به معارف قرآنی، دنیا با همه زیبایی های ظاهری اش دوران ظلمت و عالم برزخ و قیامت برای انسان وارسته، فجر صادق و دخول در عوالم نور و بهجت است. از این رو خدای متعال برای این که موضوعات یاد شده را در خاطر ما زنده کند به فجر و ضحی و روز و شب قسم یاد می کند. اگر انسان در مسیر سیر و سلوک بیفتد در آسمان جانش فجرها واقع می شود. از این رو یقظه «بیداری» که لوئین مرحله سیر به سوی الله است فجر صادق است و نیز اگر حکومتی از ظلمت حکومتهای خودکلمه می رهد فجر صادقش طلوع کرده است.بنابر این ظهور اسلام که ظلمت های شرک و ستم را شکافت فجری بود و ظهور مهدی موعود (عج) فجری دیگر خواهد بود.

❖ (شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ)

گفته اند مراد از «لِبَالِ عَشْرِ» در آیه دوم، شب های ده گانه ذی الحجه و یا ده شب آخر ماه رمضان است که شب های قدر را در بر دارد و اهمیت این شب ها به خاطر عبادات مخصوص در آن و پالایش نفس از ظلمات است که نتیجه اش فجر نور در وجود انسان خواهد بود. اگر شب های این دهه قابل قسم است به اعتبار آن چیزی است که در

آن اتفاق می افتد. این یک حقیقت است که زمین کربلا با زمین های دیگر فرق ندارد ، اگر زمین کربلا شرفی دارد، از شرافت آن مدفون والامقامی است که در آن جا به شهادت رسیده است. کربلا بدون امام حسین (ع) ارزشی ندارد که گفته اند:
« شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ».

گفته اند مراد از «شَفَع» در آیه «وَالشَّفِيعَ وَ الوَتْرَ»، «یوم تَرویِه» روز هشتم ذی الحجه است که حاجیان به عرفات کوچ می کنند و مراد از «وَتْرَ» روز عرفه است. نظرهای دیگری هم داده شده که مراد از آن نماز شفع و وتر نافله شب است و بعضی گفته اند منظور از آن عدد زوج و فرد است که اشاره به اهمیت نظم و حساب و ریاضیات دارد.
عده ای هم گفته اند «شفع» جمیع آفرینش است و «وتر» خدای متعال که جمع همه این معانی در آیه کریمه بلامناح است.

«وَأَلَّيْلَ إِذَا يَسِرُ» یعنی سوگند به شب وقتی که به طرف روشنایی صبح پیش می رود. اگر شب حرکت نکند همیشه ظلمانی باقی می ماند اما اگر قرار است حرکت داشته باشد «یسر» پس حتماً او از ظلمت به نور هجرت کرده و حتماً به نور خواهد رسید. انسان وقتی پشت به شریعت کرد از حرکت باز می ایستد اما اگر با رهنمود شریعت حرکت کرد به نور رسیده و خود نور می دهد.

به راستی در این آیات چرا به عنصر زمان سوگند خورده؟ اصولاً همه این امور دنیا بر بستر زمان حرکت و مرور زمان همه چیز را متحوّل می کند. سوگند به زمان اشاره بر این دارد که شما از حکومت های طاغوتی نهراسید زیرا آن ها در قدرت خود عاریتی هستند، آنان در بستر زمان حرکت و به زودی سقوط می کنند. در دنیا نه طاغوتیان تصوّر کنند که در قدرت باقی می مانند و نه مظلومان تصور کنند که نمی شود شوکت ظالمان را شکست. سوگند خوردن به فجر، ارمغان امید دارد زیرا یک خط ناچیز در آسمان شب که همان فجر است بر گستره ظلمت چیره می شود تا اینکه آفتاب سر می زند. پس فجر، نقطه امید است و پیروزی حق بر باطل.

❖ پروردگارت در کمین ظالمان است!

در آیات ۶ تا ۱۰ به ماجرای چند قوم نیرومند مغرور که با پیامبران زمان خود درافتادند و سرانجام به سرنوشت دردناکی گرفتار آمدند، اشاره شده است تا مشرکان مکه حساب کار خود را از آن نتیجه بگیرند. لذا می گوید: آیا ندیدی خدای تو با عاد چه کرد؟

بنابر نظریه مورخان، عاد به دو قبیله گفته می شود. قبیله ای که در گذشته دور می زیستند و قرآن از آن ها به «عاداً الأولى – نجم ۵۰» یاد می کند و دیگری قبیله عاد که قوم حضرت هود (ع) بودند و موضوع آیه فوق است. آنها نیرومند و در شهرسازی سرآمد زمان خود بودند.

إِرمَ (إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ) همان شهر با عظمت قوم عاد است که دارای کاخ های عظیمی بوده و نمونه آن در جایی ساخته نشده بود (الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ) و این قوم سرکشی کردند، پس خدا هلاکشان نمود.

ثمود (وَ ثَمُودُ الَّذِينَ...) اقوام قدرتمند و مرفهی بودند که صخره های عظیم را از کوه ها به سرزمین های خود حمل می کردند و از آن خانه و کاخ می ساختند (جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ) ثمود با پیغمبر خود صالح درافتادند و خدا این قوم سرکش را هم به عذاب آسمانی گرفتار کرد. فرعون صاحب اوتلا بود (وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ) یعنی این که وی مخالفان خود را به چهار میخ می کشید و دست و پای آن ها را به زمین یا چوب میخ می کرد و بعضی گفته اند مراد از آن بناهای عظیمی مانند اهرام مصر است ولی معنی لول قوی تر است زیرا مراد از آن بیان طغیان گری و ستم کاری لوست. این اقوام در شهرها سرکشی کردند(الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ) و فساد را به لوج رساندند

(فَأَكْرَبُوا فِيهَا الْفُسَادَ) و خداوند با تازیانه عذاب بر سرشان کوفت (فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ). «صب» به معنی فرو ریختن آب است و اینجا به معنی هجوم عذاب می باشد، یعنی خدا عاد را با طوفان و ثمود را با صیحه های آسمانی و فرعونیان را با امواج خروشان آب هلاک نمود.

❖ نه از نعمتش مغرور باش و نه از سلب نعمت مأیوس!

این آیات به موضع گیری انسان در برابر نعمت و با محرومیت پرداخته است. خدا برای آزمایش، گاهی به انسان نعمت می دهد و گاهی محرومیت؛ و لو وقتی به نعمت می رسد می گوید خدا مرا گرمی داشته و چون محروم می گردد اظهار می کند خدا مرا خوار شمرده ، در صورتی که گرفتاری او برای این است که به دنیا دل بسته و به یتیمان بی حرمتی نموده و در فکر درماندگان نبوده است.

در این آیات می فرماید خدا انسان را با دادن امکانات دنیوی آزمایش می کند تا معلوم شود چگونه عمل می کند (فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَيْهِ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ...) ولی او از این رویکرد دنیا نتیجه می گیرد که خداوند به خاطر صلاحیتی که دارم مرا گرمی داشت. خدا دیگری را با محدود کردن امکانات زندگی آزمایش می کند و لو هم نتیجه می گیرد که خدا مرا خوار داشته است. در این آیه فرمود: «کلا» یعنی نه خیر، نه رویکرد دنیا نشانه عزت شما در پیش خدا و نه نشانه لیبختن خدای در کمین است و نه پشت کرد دنیا نشانه مطرودیت شما در نزد خدا و نه نشانه خشم این پرده نشین. اگر این تحلیل ها درست بود لازمه اش این است که فرعون و ثمود، عزیزان خدا و زینب کبری(س) در دوران اسارت مطرود حضرت حق باشد. بلکه مسئله از این قرار است که شما به درون خود مراجعه کرده ببینید آیا به آن چه خدا گفت پشت می کنید و حلال و حرام نمی شناسید و با یتیمان بد رفتاری می کنید پس بدائید که خداوند در مرصاد با شما موضع خشم دارد و اگر آن چه خدا فرمان داده عمل می کنید و در موضع ایمان و اطاعت استوار هستید پس شما به اطمینان نفس رسیده اید لذا پرده نشین مرصاد شما را به بهشت خواص فراخوانده(يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ...)

اگر قرار باشد خدا در مقابل گناهان در همین دنیا خشم خود را ظاهر کند و یا به خاطر عمل صالحی پاداش نقدی بدهد یعنی از کمین بیرون بیاید، کسی گناه نمی کند پس خداوند در مرصاد است و آراء و حکم و دلوری او نیز در پشت پرده است و تنها در قیامت از کمین ظهور خواهد کرد.

آن گه در دو آیه بعدی در مقام انتقاد از انسان می گوید: ما انسان را به دو صورت امتحان می کنیم، گاهی با روی کرد دنیا و نعمت ها و گاهی پشت کرد دنیا، ولی او وقتی برخوردار می شود آن را حمل بر ثواب می کند و می گوید: خدا از من خرسند شد و نعمت داد و چون زیان می بیند، می گوید: خدا از من برکشت و ناراضی شد. با این اظهار نظر در واقع می خواهد کشف کند خدایی که در کمین است نظر مثبت دارد یا منفی، در حالی که این دو نوع امتحان است نه نتیجه و پاداشی و رفاه. تنگدستی یک امتحان است نه ثواب و کیفر. لذا در آیه بعدی می فرماید: «کلا» یعنی ای انسان این برداشت غلط است و رفاه و تنگ دستی فقط آزمون است نه پاداش و نمره عمل. اگر می خواهید به نظر مثبت یا منفی خدا در مورد خود پی ببرید ببینید آیا اکرام یتیم می کنید؟ آیا برای اطعام مسکینان قدم برمی دارید؟ آیا در کسب مال، حلال و حرام را رعایت می کنید؟آیا به مال دنیا در حد حلال و رفع نیاز محبت دارید یا دلپاخته دیدیید؟ این ها خشم و رضای خدا را نشان می دهد و حکم نهایی را صادر می نماید و آن وقتی است که پایان عمر زمین و زمینیان را صادر کند: « كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا- وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا...)

در این آیات سخن بر سر آزمون انسان است. وقتی خدا نعمتی را به عنوان اکرام و آزمایش عطا کرد مغرور و مرتکب کفران نعمت می شود در حالی که توجه ندارد که آزمایش انسان گاهی با نعمت دادن صورت می گیرد و گاهی با سلب آن، ولی اغلب کسانی که در زندگی رفاه دارند از دین و عبادت بیگانه اند، خود را عزیز کرده خدا می دانند و این بی ظرفیتی انسان را نشان می دهد. چه بسیار پیامبر و معصومی که گرفتاری ها دیدند و چه بسیار ظالمائی که غرق نعمت بودند. پس داشتن و نداشتن ، ملاک دوری یا نزدیکی به خدا نیست. لذا می گوید وقتی خدا آدمی را با رویکرد دنیا بیازماید(فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَيْهِ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ) لو گوید خدا مرا عزیز داشته (فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ) و چون لو را با پشت کرد دنیا بیازماید(وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَيْهِ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ) گوید خدا مرا خوار داشته (فَيَقُولُ رَبِّي أَهْلَنَنِ)

❖ اطعام مسکین و اکرام یتیم

در آیه ۱۷ می فرماید آن چه موجب سقوط شما می شود آن است که یتیمان را گرمی نمی دارید(كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ) و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی کنید(وَ لَا تَحَاضُّونَ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ). این آیه می خواهد کمک به مستمندان و در فکر نیازمندان بودن در جامعه مسلمانان به صورت یک فرهنگ رایج و فعال درآید، زیرا آیه یاد شده به این حقیقت اشاره دارد که اگر شما در فکر نیازمندان و رفع مشکل آن ها نباشید ما تلخی فقر را به شما می چشائیم، چرا که می گوید ما به همین دلیل روزی شما را تنگ می کنیم.(فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ)

نکته قابل توجه آیه یاد شده آن است که در مورد یتیم اکرام را مطرح نموده، زیرا عاطفه یتیم به دلیل از دست دادن پدر یا مادر جریحه دار شده و بیش از غذا به محبت های پدرانه و اکرام نیاز دارد.

«تَحَاضُّونَ» از باب تفاعل و به معنای تعامل و همکاری طرفینی است؛ یعنی باید این امر در جامعه به صورت یک فرهنگ درآید و همه یکدیگر را به اتفاق ترغیب نماییم. پیامبر (ص) فرمودند: «هر که صبح کند در حالی که اهتمام به امور مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست» در این حدیث امور سیاسی و حکومتی هم منظور شده است.

آن چه شما را از رحمت خدا دور می کند آن است که شما میراث را یک جا می خورید و به حقوق دیگران اعتنایی نمی کنید (وَ تَأْكُلُونَ الْأَثْرَ أَكْلًا لَمًّا) موجب اصلی این گناهان، مال دوستی و دلپاختگی انسان به نیاست که حلال و حرام نمی شناسد (وَ تَجْبُونَ الْعَمَالَ حَبًّا حَمًّا). وقتی حب مال، انسان را چنان حریص کند که مال یتیم و میراث دیگران و مال حرام را به سفره خود بکشد پس از روی حساب است که گفته اند «حَبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ حَظِيئَةٍ» یعنی هر گلهای از دنیادوستی سرچشمه می گیرد.

❖ روزی از خواب بیدار مس شوند که کار از کار گذشته است!

آیات ۲۱ تا ۳۰ حالات روحی انسان را در قیامت ترسیم می کند. انسان وقتی ببیند فرشتگان صف به صف ایستاده اند و درهای جهنم باز شده، به خود می آید ولی دیگر دیر شده و حسرت سودی ندارد و آن گاه به بند کشیده می شود و در مقابل، برای انسان هایی که به مقام اطمینان رسیده اند، ندای محبت می آید که ای جان آرام یافته به سوی پروردگارت بازآی.

در آیات ۲۱ تا ۲۳ صحنه قیامت مطرح می شود، یعنی خیال نکنید که حساب و کتابی در کار نیست. آن گاه که زمین به سختی در هم کوبیده شد (كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا) و فرمان خدا رسید و فرشتگان صف به صف حاضر شدند، اهل محشر در محاصره آن ها قرار می گیرند (وَجَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا). منظور از «جاء رَبُّكَ» آمدن فرمان و صلور حکم خدا برای شروع کار قیامت است و جهنم

مسابقه بزرگ قرآنی چندجمله‌ای

جلو می آید (وَجِءَ يَوْمَئِذٍ) و آن موقع انسان به خود می آید(يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ) و روزی بیدار می شود که کار از کار گذشته است. متذکر شدن و پشیمانی در موقع مرگ و در قیامت اصلاً سود و ثمری ندارد (وَأَن تِلْكَ لُذْكَرَى). در این گیر و دار است که انسان به خود آمده می گوید، ای کاش برای این زندگی فکری می کردم.

مجرم این صحنه ها را می بیند و غم و اندوه وجودش را فرا می گیرد و فریاد بر می آورد: کاش برای زندگی در این حیات حقیقی و ابدی ام فکری می کردم و توشه ای می فرستادم. (يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي) خدا مجرم را چنان عذابی می کند که کسی نکرده است و سابقه نداشته و چنان به بند می کشد که فکرش را نمی کرده (وَلَا يُؤْتِيكَ وَثَاقَهُ أَخَذَ). چرا چنین نباشد در حالی که در دنیا بندگان خدا را به خاک مظلومیت می نشانده و به چهار میخ شان می کشیده است.

❖ اسی جان آرام یافته به سوی پروردگارت بازآی!

پس از توصیف سرنوشت اهل شقاوت، در آیات ۲۷ تا ۳۰ این سوره سخن از حالات مقربان همان نفوس آرامش یافته ای که خدا آن ها را با یک دنیا لطف و محبت مخاطب ساخته به میان می آید و می فرماید: ای نفس آرامش یافته، به سوی پروردگار خویش بازگرد (يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ - اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ) که تو از من راضی و من از تو خوشنودم (رَاضِيَةٌ مَّرْضِيَةٌ). پس در جمع بندگانم درآی که جنت در انتظار توست (فَادْخُلِي فِي عِبَادِي - وَاَدْخُلِي جَنَّاتِي).

این ندا که انسان وارسته را به جنت لقا می خواند خاص عارفان بالله است. حداقل مقام نفس مطمئنه که برای هر کسی امکان پذیر است، آن است که انسان در خدانشناسی و نبوت و معاد به ایمان و باوری مطمئن رسیده و هرگونه شبهه ای را از خود رفع کرده و با ایمانی راسخ نسبت به احکام عملی از واجبات و محرمات، عامل باشد. کسی که به خدا تکیه می کند، به اندازه ایمانی که به آن تکیه گاه دارد از آرامش و سکون برخوردار می شود. توکل ضعیف، آرامش نسبی و توکل قوی آرامش قوی تری پدید می آورد و کسائی که در این راه به مرحله تکامل می رسند، صاحبان نفس مطمئنه و مخاطب آیه فوق هستند که البته برای آنان درجات مختلفی است. قرآن در این باره می فرماید: بر آن خدای مقتدر مهربان تکیه کن (وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ - شعرا(۲۱۷)) همچنین می فرماید: هر که به خدا توکل کند همو وی را پس است (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ - طلاق(۳)) سرمنشا تمام اضطراب های بشری در جهان و در طول تاریخ، بی اعتقادی آن ها به خدا بوده، چرا که «فقط به یاد خدا دل ها به مقام اطمینان می رسند» (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ - رعد(۲۸))

❖ مصادیق نفس مطمئنه!

بر اساس روایات متفق، مصداق بارز نفس مطمئنه در آیه آخر این سوره، امام حسین (ع) است که مخاطب واقع شده، چنان که در حدیثی از امام جعفر صادق(ع) به روایت ابی بصیر آمده که امام ششم(ع) فرمودند: «یا ایتهای النفس المطمئنه یعنی الحسین بن علی(ع)» (یحارالانوار ج ۴۴) در درجه پایین تر، امام خمینی (ره) یگانه شخصیتی است که بیشترین تأثیر را با انقلاب الهی خویش در جامعه جهانی داشته و به عنوان احیاگر ارزش های دینی و معنوی در قرن حاضر مطرح می باشد. زندگی پرماجرایی آن فرزانه دوران، تجسم عینی معارف عظیم قرآنی و تحقق انسان کمال یافته ای است که مقصد و مقصود از کتاب آسمانی قرآن را دریافت کرده و پیوسته در طریق سلامت با ایمان خالصانه و عمل صادقانه به سوی نور مطلق سیر نمود تا راضی و مرضی به لقای محبوب خویش، پروردگار بی نیاز نائل آمد و مصداق این آیه شریفه شد.

سوالات مسابقه

با توجه به متن فوق که با تلخیص و اندکی تصرف از کتاب نسیم حیات (جزء ۳۰) تالیف ابوالفضل بهرام پور می باشد پاسخ های صحیح را انتخاب و در پاسخنامه درج نمایید.

۱- مراد از «لیال عشر» در آیه دوم سوره فجر چیست؟

- الف) دهه اول محرم الحرام - شب های ده گانه ذی الحجه
- ب) شب های ده گانه ذی الحجه - ده شب آخر ماه مبارک رمضان
- ج) ده شب آخر ماه مبارک رمضان - دهه اول محرم الحرام

۲- «شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ» از کدام آیه استنباط می شود؟

- الف) آیه دوم
- ب) آیه هفتم
- ج) آیه سیزدهم

۳- «یوم ترویه» چه روزی است؟

- الف) روز عید سعید غدیر
- ب) روزی که حاجیان به عرفات کوچ می کنند
- ج) عید سعید قربان

۴- منظور از «شفع» و «وتر» در آیه سوم به ترتیب کدام موارد است؟

- الف) هشتم ذی الحجه - نهم ذی الحجه
- ب) سیزدهم رجب - بیست و هفتم رجب
- ج) هشتم ذی الحجه - سیزدهم رجب

۵- سوگند به زمان در آیات ابتدایی سوره بیانگر چیست؟

- الف) عاریتی بودن قدرت حکومت های طاغوتی - عدم ثبوت و بقا در دنیا
- ب) تقدس همیشگی زمان - ثبوت و بقای قدرت در دنیا
- ج) تلذم شوکت ظالمان - تقدس همیشگی زمان

۶- دلیل عذاب قوم عاد، ثمود و فرعونیان در سوره فجر کدامیک از موارد زیر عنوان شده است؟

- الف) فَاكْتَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ
- ب) طَنَوْا فِي الْبِلَادِ
- ج) هر دو مورد

۷- خداوند عاد را با ثمود را با و فرعونیان را با هلاک نمود. (به ترتیب)

- الف) طوفان، صیحه های آسمانی، امواج خروشان
- ب) صیحه های آسمانی، طوفان، امواج خروشان
- ج) امواج خروشان، طوفان، صیحه های آسمانی

۸- گرفتاری و سقوط انسان با توجه به آیات سوره مبارکه فجر ناشی از چیست؟

- الف) ولپستی به دنیا و بی حرمتی به یتیمان
- ب) بی توجهی به درماندگان
- ج) هر دو مورد

۹- پیام آیات ۱۵ و ۱۶ سوره فجر چیست؟

- الف) انعام یا اسماک خذلوند، آزمایش الهی است
- ب) نه رویکرد دنیا به انسان نشئه عزت است و نه پشت کرد آن نشئه مطرودیت نزد خلقت
- ج) هر دو مورد

۱۰- کدام آیات حالات روحی انسان در قیامت را ترسیم می نماید؟

- الف) آیات ۱۹ و ۲۰
- ب) آیات ۲۱ تا ۳۰
- ج) آیات ۱۵ و ۱۶

۱۱- منظور از «جاء ربك» در آیه «وجاء ربك و الملك صفا صفا» چیست؟

- الف) صدور حکم خدا برای شروع کار قیامت
- ب) فراخواندن ملائکه
- ج) آغاز حسلبرسی اعمال

۱۲- آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر، توصیف حالات کدام گروه است؟

- الف) اهل شقاوت
- ب) اهل قرب
- ج) دنیا پرستان

۱۳- حداقل مقام نفس مطمئنه در چه مرحله ای حاصل می گردد؟

- الف) آنگاه که انسان با ایمان راسخ به احکام عملی از واجبات و محرمات عامل باشد
- ب) آنگاه که انسان به انجام مستحبات پایبند باشد
- ج) آنگاه که انسان اهتمام ویژه ای به انجام فروعات دین داشته باشد

۱۴- بر اساس روایات، مصداق بارز نفس مطمئنه در آیه آخر سوره فجر چیست؟

- الف) امام علی(ع)
- ب) امام حسین(ع)
- ج) امام صادق(ع)

ردیف	الف	ب	ج
۱	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۱	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

پاسخنامه

نام و نام خانوادگی:

شماره تماس (همراه):

شغل:

تحصیلات:

سن:

شهرستان:

پاسخنامه را پس از تکمیل، از برگه جدا کرده و به نشانی

آران و بیدگل، خیابان شهدا، کوچه معراج ۱۴ اداره تبلیغات اسلامی تحویل فرمایید.

حداکثر مهلت ارسال پاسخنامه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۷

به ۴۰ نفر از برگزیدگان مسابقه، به قید قرعه، دوشنبه ششم اسفندماه همزمان با شب میلاد حضرت زهرا(س) در همایش "گلدانی برای مادر" جوایز نفیسی از جمله کمک هزینه سفر به مشهد مقدس اهدا خواهد شد.

		
اداره کل تبلیغات اسلامی استان آذربایجان شرقی	سازمان تبلیغات اسلامی استان آذربایجان شرقی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی
		
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی	اداره کل کتابخانه های عمومی استان آذربایجان شرقی	شورای عبادت در مسجد شریعتی آذربایجان
		
شورای اسلامی شهرستان آران و بیدگل	میراث سلامت مسجد آران و بیدگل	بچه های آملی آران و بیدگل
		
موسسه فرهنگی و آموزشی زینب خواهران	آستان مقدس حضرت محمدحسین علی	آستان مقدس امامزاده های آران و بیدگل
		
حضرت قائم ابن الحجة		